

چنانکه می‌دانیم پیامبر اسلام (ص) پس از بعثت حدود سیزده سال به تبلیغ دین اسلام در مکه پرداختند و علیرغم اذیتها و آزار کفار توانستند اصول اعتقادی رسالت نوین خویش را ابلاغ و از مردم را هدایت بنمایند. شدت آزار کفار مکه و استقبال مردم مدینه موجب شد که پیامبر همراه تازه

می‌خواهند عدالتی را که مدنظر اسلام است اجرا کنند. به همین جهت آن شهید مکتب را که تعریف کننده عدالت است زیربنا، و احکام و مقررات را در اسلام روبنا معرفی می‌کند^(۳). بر همین قیاس، می‌توان علاوه بر قوانین و مقررات، انگیزه‌هایی که در این مکتب برای انجام فعالیت‌های

تجربه مسلمانان صدر اسلام در دستیابی به توسعه اقتصادی

سید کاظم صدر *

مسلمانان به مدینه مهاجرت کنند و حدود یازده سال نیز در آنجا به ابلاغ و اجرای احکام اسلام پرداخته و جامعه و نظام جدیدی را براساس آیین اسلام استوار سازند. در آغاز هجرت، وضعیت مهاجران چنان سخت و دشوار بود که منزلی جز سکوهای کنار مسجد پیامبر نداشتند، اما پس از تقریباً هشت سال از این تاریخ و پس از فتح مکه و پیروزی کامل بر کفار قریش، همه دارای مسکن و درآمد و رفاه کافی شدند. تجارت رونق مجدد یافت، کشاورزی در عین نامساعد بودن شرایط اقلیمی گسترش پیدا کرد، فنون جدید از ایران و روم وارد شد و بالاخره علیرغم سرعت بسیار زیاد افزایش جمعیت مسلمانان بر اثر پذیرش دین اسلام، درآمد ملی ایشان نیز به شکل چشمگیری بالا رفت و در عین حال با توزیع بدیعی همراه بود. خدمات آموزشی و بهداشت گسترش یافت و نهادهای اقتصادی و اجتماعی نوینی پایه‌گذاری شد. سرانجام، قوانین مورد نظر مکتب اسلام به اجرا درآمد و قسط برقرار گشت. هدف این مقاله پی‌بردن به چگونگی توفیق مسلمانان صدر اسلام به دستاوردهای یاد شده می‌باشد.

روش دستیابی به الگوی توسعه صدر اسلام

در قرآن، انسان اشرف مخلوقات و خلیفه الهی معرفی می‌شود. همه نعمتهای خداوند به خاطر او خلق شده‌اند. هدف دین اسلام سعادت و رستگاری او است و هدف مکتب اقتصادی آن برقراری عدالت در زندگانی انسان می‌باشد^(۱). طرحی که اسلام برای توسعه زندگانی مسلمانان دارد خود به خود مبتنی بر این اهداف است. شهید صدر معتقد است که احکام و مقررات اسلام به گونه‌ای وضع شده‌اند که گویی

اقتصادی مطرح شده را، عوامل هدایت کننده انسانها به سعادت و عدالت مورد نظر اسلام به شمار آورد. همچنین نهادها و تشکلهایی را که در صدر اسلام پدید آمد می‌توان تسهیل کننده‌های تحقق قسط میان مردم تلقی کرد. بدین جهت، برای آگاهی از الگوی توسعه صدر اسلام، به شناسایی انگیزه‌ها، قوانین و مقررات، نهادها و تشکلهای و بالاخره سیاستهایی که از جانب پیامبر اسلام اتخاذ شد پرداخته می‌شود، مجموعه عواملی که در آن هنگام باعث شد تا زندگی مردم از جاهلیت رها و به سعادت هدایت شود.

همان طور که شهید صدر قوانین و مقررات را در اسلام معلول و عدالت را علت معرفی می‌کند و با این فرض به کشف مکتب اقتصادی اسلام اقدام می‌نماید، در اینجا نیز الگوی اسلام برای توسعه اقتصادی علت یا شالوده اصلی و مجموعه انگیزه‌ها، ضوابط و مقررات، تشکلهای و سیاستها، معلول و ناشی از آن فرض می‌شود. امید است که از راه شناسایی معلول به معرفت علت پی ببریم.

عامل اصلی در توسعه اقتصاد صدر اسلام

توسعه و پیشرفت زندگی اقتصادی انسان به عوامل بسیاری بستگی دارد و معرفی کردن هر عامل به تنهایی، موجب نقص و ضعف تحلیل و بررسی می‌شود. مستهی در سنت علمی، وقتی یک عامل علت اصلی رشد و توسعه اقتصاد قلمداد می‌شود، منظور اهمیت فوق العاده آن است و

* - عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

نه بی تأثیر بودن بقیه عوامل. برای مثال وقتی فیزیوکرات‌ها زمین و فعالیتهای کشاورزی را عامل اصلی رشد اقتصادی معرفی می‌کنند منظورشان اهمیت و اولویت این بخش بر سایر بخشهاست. همچنین هنگامی که کلاسیک‌ها تراکم سرمایه به خصوص در بخش صنعت را توصیه می‌کنند، باز مقصود آنان اهمیت این عامل در پیشبرد رشد اقتصادی و رهایی از فقر است^(۱).

اگر همین تجرید را بخواهیم قائل شویم، به نظر می‌رسد که در مکتب اسلام عامل اصلی رشد و توسعه، سرمایه انسانی است^(۲). با تقویت و رشد انباره آن استعداد از قوه به فعل در می‌آید و می‌توان از این طریق بر فقر و عقب ماندگی فائق آمد و مراحل پیاپی رشد اقتصادی را پشت سر گذاشت^(۳). مجموعه انگیزه‌ها، قوانین و سیاستهایی که در صدر اسلام ارائه شد به نظر می‌رسد که انباره سرمایه انسانی مسلمانان را پرورش داد و سپس با ترکیب این انباره با سایر نهادهای اقتصادی زمینه شکوفایی اقتصادی را فراهم آورد.

هنگامی که پیامبر اکرم با مهاجران وارد مدینه شدند، هیچ سرمایه جسمانی یا ثروت طبیعی دیگری نداشتند. در عوض همه مسلمانان از اندوخته سرمایه انسانی بالقوه برخوردار بودند. اقدامات پیامبر اکرم موجب پرورش این سرمایه و به فعلیت رسیدن بازدهی آن شد. در قسمتهای بعد نشان داده می‌شود که انگیزه‌های اقتصادی، قوانین و مقررات و سیاستهای اقتصادی‌ای که به اجرا درآمد همه در جهت پرورش و هدایت این اندوخته بود. تمامی دستاوردهای اقتصادی صدر اسلام نیز مرهون همین عامل بود.

این سرمایه انسانی در نهاد بازار به صورت کار ماهر جلوه‌گر می‌شود. نقش آن در الگوی توسعه اسلام در برخورد این مکتب با صاحبان این نهاد یعنی انسانهای با تجربه، ماهر، متخصص، نوآور و مبتکر در مقایسه با صاحبان سایر عوامل تولید معلوم می‌شود. همچنین توجه اسلام به علم و تحقیق و تعلیم و تربیت که موجب پیشبرد و اعتلاء سرمایه انسانی می‌شود و نیز شرکت علما و دانشمندان و نقش مدارس علمیه و مؤسسات تحقیقاتی در معارف اسلامی، اهمیت این سرمایه را نمایان می‌سازد. معجزه دین اسلام کتاب است و اولین بار که پیامبر اسلام مورد وحی قرار می‌گیرد به او امر می‌شود که «بخوان». رسول عظیم الشان، هنگام دعوت به اسلام به خواندن آیات قرآنی برای مردم مبادرت می‌ورزد. یعنی هدف اسلام هدایت فکر و ذهن انسان که همان تجرید علمی سرمایه انسانی اوست می‌باشد.

همین استعداد و توانایی علمی و فکری که در نهادهای

اقتصادی به شکل سرمایه انسانی ظهور می‌کند، در نهادهای اجتماعی به صورت دیگری جلوه‌گر می‌شود، چون بخشی از الگوی توسعه اسلامی شامل همین نهادهای اجتماعی می‌گردد، و بسیاری از حقوق اقتصادی تابع تقسیم کار اجتماعی در اسلام است، ناگزیر باید نحوه مشارکت انسان در جامعه و نقشهایی را که عهده‌دار می‌شود نیز در نظر گرفت تا چگونگی رشد و توسعه سرمایه انسانی در جامعه انسانی را بتوان شناخت.

شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان

انسان به سه صورت در الگوی توسعه اسلامی دیده می‌شود. نخست به صورت فرد عاقل بالغ و مکلف، یعنی پس از رسیدن به سن بلوغ، انسان مکلف می‌شود که واجبات عبادی را انجام دهد و محرمات را ترک کند. همچنین برای معاش و رفاه خود تلاش کند. در حالت دوم، انسان به صورت عضو یا یکی از ارکان خانواده دیده می‌شود. وظایف و تکالیف او در این موقعیت اضافه می‌شود. به تناسب همین تکالیف، حقوق و امتیازات او نیز اضافه می‌گردد. در این موقعیت او پدر یا مادر، برادر یا خواهر است. از آنجایی که خانواده‌ها جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهند، در ارتباط با اجتماع، وظایف و تعهدات نوینی پیدا می‌کنند.

به نظر می‌رسد که انگیزه‌ها و آرمانهای اسلامی، برخی برای فرد هستند و برخی برای خانوار و ما بقی برای اعضای جامعه. همچنین حقوق و مزایای افراد، خانواده‌ها و جامعه، به تفکیک و مستقل، با توجه به این سه موقعیت انسان تدوین شده است. بالاخره، نهادهای اقتصادی گاهی برای صیانت افراد، گاهی برای حمایت خانواده و زمانی برای حفظ سلامت جامعه تشکیل شده‌اند. در عین حال، این سه شأن مختلف انسان مکمل یکدیگر هستند. گویی فردی که به عضویت خانواده در می‌آید تشخیص بیشتری پیدا می‌کند، زیرا به تشکیل واحد جدیدی برای جامعه کمک می‌نماید. سپس با پیوستن خانوار به عضویت جامعه، شخصیت انسان متکامل تر می‌شود. این تکامل وجودی که موجب از قوه به فعل درآمدن استعدادهای انسان می‌شود در الگوی توسعه اسلام به چشم می‌خورد. در عین حال، این سه شخصیت انسان استقلال لازم را دارند؛ بدون الحاق به خانواده، فرد دارای اصالت است.

پس از پیوستن به جامعه، فرد یا خانوار شخصیت و

۱ - فریدون نفضلی.

۲ - خورشید احمد.

۳ - محمود متوسلی، فصل اول و دوم.

استقلال خود را از دست نمی‌دهد. حقوق و وظایف ایشان نیز نسبت به نقشی که دارا هستند تقسیم و مشخص می‌شود. عدالتی که در امت برقرار می‌شود حق و سهم هر کس را متناسب با مشارکت او به عنوان فرد، خانوار و عضو جامعه تعیین می‌کند^(۱).

حال با توجه به مقدمه‌ای که ارائه شد به بررسی مشوقها و انگیزه‌هایی که برای فعالیتهای اقتصادی در اسلام داده شده است می‌پردازیم. همچنین حقوق اقتصادی را که به صورت قانون و ضابطه و حلال و حرام وضع شده است مورد کنکاش قرار می‌دهیم. سپس سیاستهای اقتصادی را که در صدر اسلام اتخاذ شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم تا از مجموعه آنها به الگوی توسعه اقتصادی اسلام دست یابیم.

انگیزه‌ها

مکتب اسلام انگیزه‌های فراوانی برای مصرف، پس انداز، انتقال درآمد و سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است. ثواب داشتن کسب روزی و تأمین معاش و تقبیح بیکاری و سربرار دیگران بودن، فرد را تشویق می‌نماید که به تلاش بپردازد و برای رفع نیاز خود کسب درآمد کند. این تشویق و ترغیب برای عضو سرپرست خانوار تشدید می‌شود و کسی که کوشش برای رفع نیاز خانواده خود می‌کند مجاهد در راه خدا خوانده می‌شود: *الکَادُّ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ*^(۲). برای عضو جامعه انگیزه‌های انفاق، وقف، حق المعلوم و قرض الحسنه ارائه می‌شود، در عین حال، انفاق به خانواده و خویشان مقدم بر کسان دیگر اعلام می‌شود. همچنین، تأمین نیاز معیشتی خود شخص و خانواده‌اش تا حد نصاب، بر هر کمکی به دیگران اولویت می‌یابد و از زیاده روی در انفاق نهی می‌شود، همچنان که از مصرف بیش از حد کفاف نیز نهی می‌شود.

ملاحظه می‌شود که انگیزه‌های مصرف و تأمین معیشت برای انسان، هم به عنوان فرد و هم به صورت عضو یا مسئول خانوار و هم به شکل عضوی از اجتماع ایجاد می‌شود. در سطوح پایین درآمد، تأمین مصارف خود و خانواده‌اش مقدم بر دیگران است. اما با افزایش سطح درآمد تأمین نیاز دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد و مازاد بر حد کفاف به ایشان منتقل می‌شود. واجب شدن خمس و زکات و ثواب داشتن انفاق به صورت آشکار و پنهان، اجر داشتن قرض الحسنه و وقف دارائیهای شخصی برای استفاده عموم، برخی از انگیزه‌هایی است که در الگوی توسعه اسلامی برای تقویت اجتماع پیش بینی شده است.

قوانین و مقررات

حقوق اقتصادی که در اسلام وضع شده است شامل توزیع اولیه ثروت و توزیع درآمد حاصل از آن می‌باشد. مباحث احیاء موات و حیات، حق مالکیت بر منابع طبیعی و توزیع اولیه انبار سرمایه را مشخص می‌نماید و احکام مربوط به معاملات و مشارکتها سهم صاحبان عوامل تولید را در توزیع مجدد درآمد معین می‌سازد. این قوانین به شدت به فلسفه عدالت و طرح توسعه اقتصادی در مکتب اسلام بستگی دارد. امتیازات عامل کار در این قوانین بیشتر از عامل سرمایه جسمانی است؛ به ویژه کارگری که دارای مهارت و تخصص است. این امتیاز را امام موسی صدر به اختصار و شهید صدر به تفصیل و گسترده نشان داده‌اند^(۳). چگونگی تأمین عدالت اجتماعی را نیز شهید صدر به برکت اجرای همین قوانین کشف و بیان کرده است^(۴).

از سوی دیگر، در مکتب اسلام حقوق و قوانینی وضع شده که استقلال فرد، خانواده و جامعه را تضمین می‌نماید. این قوانین در عین حال مطابق با تقسیم اجتماعی کار در جامعه اسلامی و تعریف این مکتب از عدالت است. حقوق اقتصادی فرد در احکام مالکیت و معاملات نسبتاً روشن است. اما هنگامی که فرد به عضویت خانوار در می‌آید، هم امتیازات جدید و هم تعهدات تازه‌ای پیدا می‌کند. حقوق زن و شوهر و احکام ارث، نشان دهنده تعهدات و مسئولیت‌های جدید هستند. از آنجایی که در طرح توسعه اسلام، خانواده واحد جامعه است و دوام و سلامت آن موجب بقا و رشد ثبات جامعه می‌شود، حقوق زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، خواهر و برادر براساس آن وضع می‌شود. بالاخره هنگامی که افراد و خانوارها به عنوان اعضای جامعه دیده می‌شوند، قوانین جدیدی که منافع جامعه را تضمین کند تدوین می‌شود. احکام عدم اتلاف و اسراف، لاضرر، حرمت اکل مال به باطل، نهی از اختلال نظام و هرج و مرج، همه نشان دهنده منافع جامعه در تعارض با منافع افراد یا خانوارها هستند.

حال این دو دسته قوانین را با توجه به طرح مکتب اسلام از توسعه اقتصادی مورد بحث قرار می‌دهیم. طرح این مکتب، چنان که گفته شد، مبتنی بر تقویت، پیشبرد و هدایت سرمایه انسانی است. به هنگام توزیع ثروت اولیه، احکام احیاء موات و حیات، این عامل را مقدم بر صاحب سرمایه

۱ - شهید مطهری، بیست گفتار. ۲ - الفروع من الکافی، الجزء الخامس.

۳ - امام موسی صدر. ۴ - اقتصادنا.

نقدی می‌دارند. زمین احیا شده یا محصولی که از مشترکات به دست می‌آید در مالکیت نیروی کار قرار می‌گیرد^(۱). همچنین هنگام توزیع درآمدی که از بهره‌برداری از ثروت‌های اولیه حاصل می‌شود باز تمهیدات قانونی به سرمایه انسانی امتیاز بیشتری می‌دهند. امام موسی صدر سه عامل کار، سرمایه و زمین را در جدولی با هم مقایسه می‌نماید و نشان می‌دهد که چون مقررات موجود اجازه می‌دهد که نیروی کار، هم درآمدی به شکل معین ثابت برای خود طلب کند همانند دستمزد و هم به شکل نامعین به صورت مشارکت در سود یا درآمد کل، بسته به نوع فعالیت و شرایط مطمئن یا پر مخاطره اقتصاد، پیوسته نسبت به صاحب سرمایه نقدی که فقط می‌تواند شریک شود، دارای مزیت بیشتری می‌باشد. این امتیاز قانونی موجب می‌شود که سهم نیروی کار یا سرمایه انسانی از درآمد کل قابل توزیع به طور نسبی افزایش یابد^(۲).

از سوی دیگر، در طرح توسعه اسلام، ترکیب خانواده از افراد، و جامعه از خانواده‌ها به نحوی نیست که یکی در دیگری حل شود و شخصیت خود را از دست بدهد. به تعبیر شهید مطهری جامعه یک مرکب طبیعی نیست؛ زیرا افراد استقلال و هویت خود را از دست نمی‌دهند^(۳). در عین حال رابطه فرد و جامعه به صورت جزء و کل هم نیست تا جامعه وجودی مازاد بر افراد نداشته باشد. همان طوری که در یک خانواده میان افراد روابطی پدید می‌آید که بدون پیوند ازدواج تحقق آن ممکن نیست، به همین صورت روابطی بین افراد یا خانوارها در تشکیل امت نمود می‌کند که بدون تشکیل آن ظهور نمی‌یابد. زبان، فرهنگ، تمدن، تقسیم کار، تعاون، تشکیل نهادها و مؤسسات، قوانین و مقررات، هنر و علم و فن و دانش، همه از دستاوردهای زندگی اجتماعی است. در صورتی که افراد یا خانوارها جدا از هم زندگی می‌کردند، هرگز به چنین پیشرفتهایی نایل نمی‌شدند. همچنان که وجود معنوی خانواده گسترده‌تر از وجود جسمانی افراد آن است، جامعه نیز وجودی بزرگتر و شاملتر از افراد خویش دارد. البته بدون افراد، جامعه برپا نمی‌شود و در عین حال جامعه اصیل و مستقل از افراد آن است.

در طرح توسعه اسلام، جامعه دارای قانون و سنت می‌باشد و کسانی که تلاش برای شناسایی آن بنمایند مورد هدایت الهی قرار خواهند گرفت. رسولان الهی، برخی برای یک قوم یا نسل، برخی برای تمام جوامع بشری در دوره‌ای معین از تاریخ و بالاخره، پیامبر اسلام برای همه جوامع تا ابد مبعوث شده‌اند. رسالت انبیا راهنمایی بشر برای شناختن تواناییهای فردی، خانوادگی و از همه مهمتر و عامتر

استعدادهای اجتماعی آنان می‌باشد. قسط در جامعه برقرار می‌شود و پیامبران به همین خاطر با «کتاب» و «میزان» و «حکمت» فرستاده شدند. دین دارای رهنمون‌هایی برای فرد و خانواده می‌باشد، ولی بخش اعظم آموزشهای دین، حداقل در دین اسلام، مربوط به روابط اجتماعی است^(۴). طبق عقیده اسلامی، پیامبران الهی همه یک رسالت را ابلاغ می‌کنند، منتهی به نسبت رشد فکری بشر، پیامبران به تدریج فرستاده شده‌اند تا بخشهایی از آن رسالت کلی الهی را معرفی بنمایند. مشاهده می‌شود که بارزترین تمایز آیین هر پیامبر الهی با رسولان پیشین، همین جنبه اجتماعی است، که مرحله به مرحله کاملتر شده است. در دین اسلام، فرد و خانواده نسبت به ادیان پیشین تشخص و جایگاه گسترده‌تری می‌یابند و همزمان مسئولیت و وظیفه بیشتری نیز پیدا می‌کنند. اما آنچه به شکل بارز این دین را از آیین‌های پیشین متفاوت و در عین حال کاملتر می‌سازد، نگرش و طراحی اجتماعی آن است. قرآن کریم جهت شناخت همین جنبه است که سنت و قانون وضع کرده و از مؤمنان خواسته است تا آنها را کشف کنند. قسط، هدف اصلی مکتب اسلام، در جامعه متحقق می‌شود. قرآن نهاد اجتماعی «شورا» را بنیان می‌گذارد، پیامبر اکرم، بیت المال را تشکیل می‌دهند. شریعت اسلام مشترکات، انفال و فیثی را تشریح می‌کند. شعار نهضت اسلام: «من بات و لم یهتم بامور المسلمین فلیس منهم» قرار می‌گیرد^(۵).

حقوق اقتصادی و اجتماعی در اسلام متناسب با همین الگو ارائه شده است. مرد و زن به عنوان فرد، حقوق کاملاً برابری دارند. اما به عنوان زن و شوهر یعنی اعضای خانواده، حقوقشان متناسب با تعهدات و وظایف ایشان در خانواده است. مرد و زن پس از تشکیل خانواده قابلیت ارتقا به مقام پدر و مادر را پیدا می‌کنند و چون واحدی از ساختار جامعه را بنا کرده، مطابق با رهیافت اجتماعی اسلام، مسئولیت و حقوق تازه‌ای پیدا می‌کنند، از آنجایی که مسئولیت‌های ایشان در جامعه یکسان نیست، طبعاً عدالت اقتضا می‌کند که حقوق ایشان نیز یکسان نباشد. در عین حال، هر دو به عنوان یک انسان و یک فرد، از حقوق و منزلت مساوی برخوردارند.

نهادها

در الگوی توسعه اسلام، برای تقویت و هدایت و

۱ - اقتصادنا. ۲ - امام موسی صدر.

۳ - شهید مطهری، جامعه و تاریخ.

۴ - علامه طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام.

۵ - اصول کافی، ج ۳، ۴، ۲۳۹.

متعالی ساختن سرمایه انسانی فرد، عبادتهایی تشریح شده است. نماز و روزه اندوخته انسانی را تربیت کرده و پرورش می‌دهد و او را هم برای تقرب به درگاه الهی و هم برای پذیرش مسئولیتهای خانوادگی و اجتماعی آماده می‌سازد. در عین حال، در بسیاری موارد از همین عبادتها نهادهایی ساخته می‌شود تا فرد علاوه بر پرستش و انجام وظایف عبادی، اجتماعی نیز بشود.

نماز یکی از عبادتهاست، اما نماز جماعت فضیلت بیشتری دارد. نماز جمعه، که در آن مستحب است امام قائم بالسیف باشد و مسائل اجتماعی را در خطبه مطرح نماید، فضیلت بالاتری دارد. علاوه بر نمازهای روزانه و هفتگی که جمعی برگزار می‌شوند، نماز عید فطر و عید قربان دوبار در سال اقامه می‌شود که دامنه آن به مراتب گسترده‌تر و خطبه‌های آن جامع‌تر است. اگر اجتماعات کوچک روزه در مساجد و اجتماعات بزرگتر هفتگی در میدان شهر برگزار می‌شوند، نماز عیدین در سطح کلان شهر یا منطقه بجا آورده می‌شود. برای آنکه مسلمین از سراسر جهان فرصت تجمع و داد و ستد فکری، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی را داشته باشند، مراسم عبادی حج صورت می‌گیرد تا این توفیق نصیب جوامع مختلف اسلامی شده، وحدت کلمه پیدا کنند و اتحاد آنان محکم و پایدار گردد.

ملاحظه می‌شود که با توجه به اهمیت جنبه اجتماعی زندگی انسان، اسلام عبادت را به صورت جمعی وضع و تشویق و تحسین کرده و سپس از آن نهادی برای ارتباط مسلمانان ایجاد کرده است. اگر عبادت امر به معروف و نهی از منکر را نیز در نظر بگیریم، اهمیت اجتماعات یاد شده در فرآیند اجتماعی شدن و تربیت و پرورش انباره سرمایه مسلمانان جلوه بدیع‌تری می‌یابد.

پیش از این به توجه اسلام به نهاد خانواده و انگیزه‌هایی که برای تشکیل آن به افراد مسلمان داده شد اشاره گردید. عقد ازدواج یکی از ساده‌ترین و کم‌قیدترین قراردادها در فقه اسلامی است. برعکس، طلاق بسیار مشکل و مقید است. اهمیت تشکیل و حفظ خانواده ایجاب می‌کند که عقود یاد شده همین ویژگی‌ها داشته باشند تا طرح توسعه اسلام اجرا شود. دو نهاد پر اهمیت برای رفع نیازهای اقتصادی در صدر اسلام، بازار و بیت المال می‌باشد. نهاد بازار، در تمدن بشری بسیار قدیمی است. اما جاهلیت عرب قراردادها و شرایطی در آن پدید آورده بود که بار شد انباره سرمایه انسانی و تحقق عدالت مباینت داشت^(۱) لذا، پیامبر اسلام اصلاحاتی در آن نموده و مردم را به داد و ستد واداشتند. این تشویق شامل غیر



مسلمانان نیز می‌شد و پیامبر تضمین کردند که اگر ایشان در بازار مدینه با مسلمانان به معامله بپردازند، هر گونه خسارتی که به ایشان وارد آید جبران می‌کنند^(۲). این خدمت بیمه، موجب تقویت بازار شد و با سایر سیاستهایی که ذکر خواهد شد بخش خصوصی را در اقتصاد صدر اسلام حمایت کرد. از جمله، انصار که می‌خواستند نیمی از اموال خود را به قصد کمک به مهاجران ببخشند، در عوض، به پیشنهاد پیامبر اکرم با ایشان قراردادهای مشارکت بستند^(۳). قرارداد مزارعه که به دنبال همین توصیه میان گروه‌های یاد شده بسته شد، موجب گردید که مهاجران با ساز و کار کشاورزی آشنا و به تدریج ماهر شوند. انباره سرمایه مهاجران به برکت این سیاست بالا رفت و بالطبع افزایش حجم داد و ستد بر شکوفایی بازار صدر اسلام افزود. افزایش درآمد مسلمانان امکان عقد قرارداد مضاربه و گسترش تجارت را که مهاجران در آن پیشینه طولانی داشتند فراهم آورد. گسترش تجارت، به ویژه در چارچوب احکام اسلامی موجب گسترش بازار و افزایش درآمد ملی مسلمانان شد.

نهاد اقتصادی دیگری که پیامبر اسلام در صدر اسلام تشکیل دادند بیت المال بود. این نهاد، با اختصاص درآمدهای مالیاتی دولت به مصارف عام المنفعه، بخش عمومی را کنار بخش خصوصی حمایت کرد و باعث شد خدماتی که به اقتضای ماهیت همگانی خود قابل ارائه در بازار نبودند به شکل کار آمد و کافی عرضه شوند. سرمایه‌گذاریهایی زیربنایی، علوم و فنون جدید، تأمین اجتماعی، دفاع و امنیت و پیشبرد دانش و فرهنگ اسلامی از جمله فعالیت‌های بیت المال بودند^(۴).

۲ - جعفر مرتضی، السوق.

۱ - سعید افغانی.

۴ - کاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام.

۳ - احمدی میانجی، ج ۲.

در ارتقای انباره سرمایه انسانی مسلمانان، بیت المال نقش شایانی داشت. فدیة آزادی برخی از اسرای جنگ بدر که با سواد بودند، یاد دادن خواندن و نوشتن به ده نفر از جوانان مسلمان قرار گرفت. در مدینه محلی به نام دارالقرءاء، تدارک شد که جوانان در آنجا گردآمده و خواندن و نوشتن را فراگیرند^(۱). این آموزشهای نخستین، زمینه آشنایی با فنون کشاورزی و فنی را فراهم آورد و موجب شد که توان پذیرش و استفاده از علوم و فنون متداول در ایران و روم حاصل شود. دانش طب و بهداشت، اسلحه‌سازی، معماری و شهرسازی، فنون آبیاری مانند احداث چاه، قنات، ترعه و غیره از جمله فنونی هستند که به تشویق و هدایت پیامبر و جانشینان حضرت به دنیای اسلام وارد شدند^(۲). علوم انسانی نیز به هنگام خلافت امیر المؤمنین علیه السلام شکوفایی بسیاری پیدا کرد^(۳). از سوی دیگر ستایش دائم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از علم و دانش و ارج و منزلت دادن به دانشمندان، نخست، موجب استقبال مسلمانان از علوم تازه شد و سپس، سبب تسلط ایشان بر معارف یاد شده و پیشبرد آنها گشت. در زمان امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نهضت علمی در دنیای اسلام به اوج خود رسید و مسلمین پرچمدار این علوم شدند^(۴).

یکی از خدمات نخستین بین المال تحت رهبری پیامبر اکرم فرستادن مبلغان و معلمان و داوران به مناطق تازه مسلمان بود^(۵). آموزش قرآن و تعلیم احکام و اخلاق مکتب اسلام، هم طرز تفکر مسلمانان را نسبت به خود و جهان و رابطه هر دو را با خداوند یکتا روشن می‌کرد و متکامل می‌ساخت و هم با آموزش و تذکر مبانی اخلاقی و ارزشی اسلام، سلیقه و ترجیحات آنان را به هم نزدیک می‌کرد. افزایش این انباره سرمایه موجب روشن شدن اولویتهای اجتماعی، سهولت برنامه‌ریزی و آمادگی مسلمانان برای گذشت و تحمل سختی جهت نیل به سعادت و کمال و عدالت شد. قبيله جای خود را به امت داد و قانون جانشین سنتهای قبیلگی شد. عمل به عهد و قرار داد یک سنت شد. به برکت این تلاشهای پیامبر و سرمایه‌گذارهای بیت المال، اندوخته سرمایه انسانی مسلمانان چنان رشد کرد که فرهنگ و جهان بینی اسلامی توانست توسعه پیدا کند و نسبتاً جهانگیر شود^(۶). گرچه الگوی توسعه اسلام به شکل کامل و جامع پیاده نشد و حتی بخش عمومی آن در دوران حکومت بنی امیه و بنی عباس منحرف شد، اما به برکت بقا و رشد انباره سرمایه و هدایت ائمه اطهار، بخشی که تحقق یافت توانست آثار مستقیم و اولیه خود را نشان دهد. اهتمام بیت

المال به تربیت نیروی انسانی، و ادامه این سنت توسط امامان اهل بیت و پیروی علما و بزرگان مسلمانان از این الگو موجب پیشبرد و شکوفایی فرهنگ و علوم انسانی شد. چنانکه گفته شد، تجلیل قرآن کریم از علم و دانش و تکریم پیامبر اسلام از علما و دانشمندان و اختصاص بودجه در بیت المال به پیشبرد تعلیمات اسلامی و علوم و فنون موجب شد که این سنت نبوی پایدار بماند و در دوره‌های واپسین، بزرگان امت اسلام از آن پیروی کنند.

سیاستها

تربیت نیروی انسانی نیاز به امنیت غذایی و تأمین خدمات اجتماعی به ویژه آموزش و بهداشت و بالاخره سیاست علمی و پژوهشی دارد^(۷). به برخی از اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هر یک از این زمینه‌ها، بیشتر اشاره شد. اینک به جزئیات بیشتر هر یک می‌پردازیم.

آب و هوای جزیره العرب برای فعالیتهای کشاورزی مناسب نبود و جز در نقاط خاصی مانند مدینه، طائف و خیبر فعالیت چشمگیری در زمینه کشاورزی وجود نداشت. معذک از همان امکانات موجود، پیامبر اکرم بیشترین بهره را گرفته و امنیت غذایی برای مسلمانان ایجاد کردند. چنانکه گزارش شد، با شرکت دادن مهاجران در فعالیتهای کشاورزی و در واقع با آموزش دادن این فن به ایشان، هم تولید محصولات کشاورزی بالا رفت و هم شاغلین در این بخش زیاد شدند. در سال چهارم هجرت، بنی نضیر یکی از قبائلی که به پیمان خود خیانت کردند مجبور شدند تا مدینه را ترک کنند^(۸). پیامبر املاک باقیمانده از ایشان را به پیشنهاد انصار میان مهاجران بی زمین تقسیم کردند. این توزیع که پس از ماهر شدن مهاجران در فن کشاورزی صورت گرفت به تولید مواد و فرآورده‌های غذایی کمک شایانی کرد.

هنگامی که طائف و خیبر فتح شدند، پیامبر اجازه داد تا صاحبان پیشین در مزارع باقی مانده و به کشاورزی ادامه دهند و در عوض، سالانه خراج آن زمینها را که به مالکیت مسلمانان یا دولت درآمده بود بپردازند. مأموری از جانب بیت المال معمولاً بر فعالیتهای ایشان نظارت می‌کرد. ابقاء زارعان غیر مسلمان بر زمینهای خویش و تشویق ایشان به ادامه تولید و

۱- کتانی، ج ۱، ۵۶ و واندی، ج ۱، ۲۲۵.

۲- اقتصاد صدر اسلام.

۳- اقتصاد صدر اسلام.

۴- یادگاری.

مدیریت و پیشنهاد پیامبر به انصار به حفظ مالکیت زمینهای خویش و شراکت با مهاجران، حکایت از سیاست زمینداری پیامبر می‌نماید. در هر دو مورد سرمایه جسمانی، زمین، در اختیار دارنده سرمایه انسانی باقی می‌ماند و با اشراف و مدیریت او عملیات زراعی صورت می‌گرفت. با توجه به شرایط آب و هوا و کمبود زمینهای حاصلخیز کشاورزی و در عین حال محدود بودن نیروی انسانی ماهر، مشاهده می‌شود که تخصیص و ترکیب سرمایه جسمانی و انسانی به نحوی صورت می‌گیرد که کارایی هر دو بالا رفته و مکمل هم می‌گردند.

در جزیره العرب آب کمیاب و تنها منابع آن چاه و قنات بود. دستوراتی که از پیامبر اکرم مبنی بر مشترک بودن منابع آب از یک طرف و تشویق به سرمایه‌گذاری برای استحصال آب از سوی دیگر صادر شد و همچنین تخفیف زکات زراعت با آب چاه نسبت به زراعت دیم جنبه‌های دیگری از سیاست کشاورزی در آن دوره را نشان می‌دهد.

زکاتی که به محصولات کشاورزی تعلق می‌گرفت، نیز به گونه‌ای بود که این فعالیت را تشویق می‌کرد و کارایی تولید را محفوظ می‌داشت. اگر مقدار تولید از حد معینی کمتر بود از تعلق زکات آزاد بود. زکات زراعت آبی، نصف زراعت دیم بود. در هر دو شیوه کشت، زکات به شبه اجاره یعنی مابه‌التفاوت در آمد کل و هزینه‌های متغیر تعلق می‌گرفت. در نتیجه انگیزه تولید و کارایی آن محفوظ باقی می‌ماند (۱).

نکته جالب توجه دیگر، تعلق گرفتن زکات به چهار محصول عمده است که هم کشت آنها در آن زمان گسترده بود و هم غذای اصلی مردم را تشکیل می‌داد. غیر از گندم و جو و کشمش و خرما، زکات سایر فرآورده‌ها مستحب بود. زکات محصولات نامبرده کمک می‌کرد تا اندوخته کافی از آنها در بیت المال جمع شود و حد نصاب معیشت فقرا و مستمندان را تأمین نماید. مشاهده می‌شود که زکات یاد شده ابزاری برای امنیت غذایی و به ویژه تأمین آذوقه افراد کم درآمد بوده است. به همین جهت درصد زکات این چهار محصول بیشتر از سایر اقلام مشمول زکات است.

در جزیره العرب دامداری نیز به شکل محدودی وجود داشت؛ زیرا شترداری برای تجارت لازم بود و زندگی قبیله‌ای و کوچ دائم، داشتن تعدادی دام را الزامی می‌کرد. علی‌رغم فقدان مراتع سرسبز و گسترده، دره‌هایی یافت می‌شد که برای ایامی از سال دارای پوشش گیاهی بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراتع را جزو انفال یا مشترکات قرار دادند (۲). از این طریق، از بهره‌برداری انحصاری آنها جلوگیری به عمل آمد. با توجه به

موقعیت انحصاری که قبیله قریش در تجارت داشتند و اهمیتی که این مراتع داشت، می‌توانستند آنها را به مالکیت انحصاری خود درآورند. قریش بسیاری از باغهای طائف، پیش از اسلام را خریداری کرده و مالک شده بودند.

تعلق زکات به دام به شیوه‌ای بود که از رونق فعالیت دامداری نمی‌کاست. چنانچه دام از مزارع خصوصی یا زمینهای احیا شده تعریف می‌کرد از زکات معاف بود. دامهایی که برای فعالیتهای تولیدی یا خدماتی به کار گرفته می‌شدند، مانند شتر در باربری و گاو نر برای شخم زدن از زکات معاف بودند. چنانچه اندازه گله گوسفند، گاو و شتر از ۴۰، ۳۰ و ۵ واحد، به ترتیب کمتر بود، مشمول زکات نمی‌شد. از سوی دیگر نسبت زکات با افزایش اندازه گله ثابت بود و به شکل تصاعدی بالا نمی‌رفت (۳).

در الگوی توسعه صدر اسلام، سیاست کشاورزی که امنیت غذایی برای نیروهای انسانی ایجاد می‌کند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه انگیزه‌ها برای تشویق فعالیت کشاورزی، احکام مالکیت، شیوه وضع زکات و تربیت نیروی انسانی در این بخش اجزای این سیاست را تشکیل می‌دهند. به این مجموعه دو جزء دیگر را باید اضافه نمود. نخست تقسیم غنائم است که در بسیاری از اوقات شامل دام و مواد خوراکی می‌شد و از این راه آذوقه رزمندگان تهیه می‌گردید. دوم، گسترش تجارت و وارد کردن این مواد بود که ذخیره آن را در کل بلاد تأمین می‌کرد.

پیرامون فعالیتهای صنعتی، مشاهده می‌شود که پیشه‌هایی که صنعت سبک به شمار می‌آید مانند آهنگری، نجاری، زرگری و حفر چاه و قنات به بخش خصوصی واگذار شده بود. اما صنایع سنگین و حتی نیمه سنگین که دارای آثار جانبی زیادی بودند و نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه انبوهی داشتند، یا فعالیت پر مخاطره‌ای بودند از طریق بیت المال ارائه می‌شدند (۴). شهرسازی، احداث ترعه، احداث کانالهای آبیاری و وارد کردن فنون جدید از جمله این فعالیتها بودند.

برای تجارت نیز هیچ محدودیتی وجود نداشت. موفقیت جغرافیایی جزیره العرب، مزیت نسبی برای این خدمت ایجاد کرده بود. پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را بسیار به این فعالیت تشویق می‌کردند که نمونه‌هایی از آن پیش از این گفته شد.

پیرامون بهداشت و درمان، تلاشهای پیامبر در دو

قسمت صورت می‌گرفت. نخست دعوت از اطبا و جراحان غیر مسلمان برای اقامت در حجاز بود. کثرت ملاحظت و محبت پیامبر موجب دلگرمی و علاقه آنان به اقامت می‌شد. در زمینه پرستاری و مامایی، که تخصص و آموزش کمتری لازم داشت با اسامی باتوانی مواجه می‌شویم که به عرضه این خدمت، به خصوص در جنگها پرداخته‌اند^(۱). اما پیرامون بهداشت، پیامبر اکرم ﷺ هم دستورات وسیعی صادر کرده‌اند که در کتابی توسط ابن طرخان جمع آوری شده است و هم به اقداماتی نظیر ایجاد قرنطینه توصیه کرده‌اند^(۲). برای تمیز نگاه داشتن آب و حفظ درختان و حیوانات قابل شکار و حفظ پوشش گیاهی زمین نیز احکام و دستوراتی صادر کرده‌اند^(۳).

پس انداز، سرمایه‌گذاری و تحریم ربا

حال به ارائه شاهی از عملکرد اقتصادی صدر اسلام می‌پردازیم تا نشان دهیم که چگونه این نظام با ایجاد انگیزه، به هدایت و گسترش فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد. برای این منظور، به بررسی رفتار پس اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران و کیفیت انباشت سرمایه‌های انسانی و جسمانی در نظام یاد شده می‌پردازیم.

اعتقاد به معاد در جهان بینی اسلامی، مسلمانان را نسبت به آینده امیدوار می‌سازد، به ویژه آن که حیات سعادت‌مندانه پس از مرگ (بهشت) یا پر از شقاوت (جهنم) را نتیجه اقدام‌های خود در حیات دنیایی می‌دانند. این اعتقاد میل به پس انداز را افزایش داده و فرد را تشویق می‌کند تا برای آینده خود سرمایه‌گذاری کند: *الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ*. در مکتب اسلام اشکال گوناگون سرمایه‌گذاری پیشنهاد شده است. ساده‌ترین شکل آن قرض الحسنه است. پس اندازی که موقتاً مورد نیاز شخص نیست قابل قرض دادن است. شکل دوم، انفاق است. در صورتی که مسلمان درآمد مازادی داشته باشد بدین صورت می‌تواند آن را سرمایه‌گذاری کند. چنانچه شخص دارای مازاد داشته باشد، می‌تواند آن را به شکل وقف سرمایه‌گذاری نماید. فرآورده‌های یاد شده میل به پس انداز را افزایش می‌دهند.

روشن است که برای وقف یک دارایی یا انبارهای از سرمایه به شکل مزرعه، مدرسه، بیمارستان و غیره، نخست باید سرمایه‌گذاری جسمانی کرد و سپس آن را وقف نمود. گاهی اوقات برای بالا بردن بازدهی یا جریان منافع انبار سرمایه‌گذاری جهت مقاصد خداپسندانه باید سرمایه‌گذاری به صورت تحصیل و کارآموزی انجام داد تا بتوان پس از کسب تخصص به کار خیر پرداخت. انگیزه برای این سرمایه

گذاریها نیز میل به پس انداز را افزایش می‌دهد. انفاق، محدود به بخشش درآمد نقدی یا غیر نقدی نیست. از سرمایه انسانی نیز می‌توان انفاق کرد. احسان، محبت به دیگران به ویژه به پدر و مادر و افراد خانواده، آموزش دادن افراد نیازمند، پرستاری از بیماران و عرضه مجانی خدمات پزشکی، مهندسی حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای نوعی سرمایه‌گذاری است که پاداش معنوی دارد. در مراحل اولیه رشد اقتصادی، انفاق درآمد بسیار پر ارزش است، ولی با افزایش آن اهمیت انفاق سرمایه انسانی افزون‌تر می‌گردد.

میل مصرف‌کنندگان به پس انداز، بستگی به نرخ ارجحیت زمانی مصرف و توزیع درآمد حال و آینده دارد. نرخ یاد شده نشان دهنده درجه ارجحیت مصرف حال نسبت به آینده است. خوش‌بینی به آینده موجب بی‌تفاوتی میان حال و آینده یا فرق نکردن مطلوبیت مصرف در این دو زمان می‌شود. در چنین وضعیتی، نرخ ارجحیت زمانی مصرف کم می‌شود؛ یعنی ترجیح مصرف در زمان حال نسبت به آینده کاهش می‌یابد. در نتیجه میل به پس انداز افزایش می‌یابد. در صورت بدبینی به آینده، نرخ یاد شده بالا می‌رود و میل به مصرف زیاد و شوق به پس انداز کم می‌شود. اعتقاد به حیات پس از مرگ، چنان که گفته شد، میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر پس انداز، توزیع درآمد حال و آینده است. اگر درآمد امسال شخص زیاد و درآمد پیش بینی شده او در آینده کم باشد، میل شخص به پس انداز زیاد می‌شود^(۴). در صورت فزونی درآمد آینده به حال میل به مصرف افزایش می‌یابد.

مسلمانان امکانات و درآمد «وسع» زیاد در این دنیا دارند و در آخرت فاقد آنها هستند. بالتبع، میل ایشان به پس انداز زیاد می‌شود تا بتوانند برای آخرت سرمایه‌گذاری کنند. رفتارهای یاد شده همانند انجام سایر اعمال صالح بستگی به درجه ایمان و اعتقاد مسلمانان دارد، که خود بر اثر آموزش، تربیت و تزکیه حاصل می‌شود. ایمان و تقوی نشان دهنده میزان سرمایه انسانی است که بر اثر تعلیم و تربیت و به فعلیت رسیدن استعدادها بالقوه پدیدار می‌شود و با شکل دادن به سلیقه انسان باعث بروز رفتارهای یاد شده می‌شوند.

یکی از قوانینی که در فقه اسلام تشریح شد، تحریم وام و معاملات ربوی می‌باشد. اجرای این قانون باعث حذف

بازار وام از نظام اقتصادی صدر اسلام شد. پیش از این نرخ بهره که در بازار وام تعیین می‌شد، هزینه فرصت سرمایه‌گذاری را تعیین می‌کرد و بالتبع حجم سرمایه‌گذاری را محدود می‌ساخت. با حذف بازار یاد شده، هزینه فرصت سرمایه به شکل درون‌زا در خود بازار سرمایه تعیین می‌شود و میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری اشخاص و خانوارها، هزینه فرصت یاد شده را تعیین می‌کند (۱).

چون حذف ربا، فرصت کسب درآمدهای ربوی را از میان بر می‌دارد، پس انداز کنندگان برای کسب درآمد بیشتر ناگزیر از عرضه وجوه خود به سرمایه‌گذاران می‌شوند. در بازار سرمایه، مجموعه وسیعی از فرصتهای سرمایه‌گذاری که دارای بازدهی و خطر بالا، متوسط و کم هستند وجود دارد. اشخاصی که اهل خطر هستند از فرصتهای پر بازده استفاده می‌کنند و کسانی که طالب درآمد کم خطر هستند به فرصتهای مطمئن روی می‌آورند.

معاملات نسیه، سلف، فروش اقساطی و اجاره که در طی آنها ارزش حال و آینده سرمایه‌گذاری قابل تعیین است، مجالهای مطمئن برای اختصاص وجوه پس انداز کنندگان محافظه کار فراهم می‌آورند. قراردادهای مضاربه، مزارعه و سایر انواع مشارکت که فقط سهم سرمایه از سود یا درآمد کل در آنها قابل تعیین است اشکال قانونی مناسب برای فعالیتهای پرسود و خطر را مهیا می‌سازند. مؤسسات مالی واسطه، اطلاعات مورد نیاز را در اختیار پس انداز کنندگان قرار می‌دهند و مشکل کمبود اطلاعات و کاوش و جستجو برای یافتن فرصتهای مطلوب را حل می‌کنند.

تحریم ربا و حذف بازار وام اثر چشمگیری بر رشد انباره سرمایه انسانی در الگوی توسعه اسلام دارد. صاحبان پس اندازی که خواهان مشارکت در طرحهای پر بازده می‌باشند، پیوسته دنبال یافتن شریکهای مبتکر و نوآور هستند. کسانی که دارای تجربه بوده و از تحصیلات و تخصص ارزشمندی برخوردار هستند، قابلیت ابداع و ابتکار را دارند. طرحهای پیشنهادی ایشان دارای بازدهی منتظره بالایی می‌باشند. کثرت تقاضای صاحبان پس انداز برای مشارکت با ایشان باعث می‌شود که بتوانند سهم بیشتری برای مدیریت طرح و شراکت پیشنهاد کنند. در نتیجه بازدهی انباره سرمایه، عاملی که موجب ابداع و نوآوری، مدیریت صحیح و صرفه‌جوییهای لازم می‌شود، در اقتصاد بالا می‌رود. این پدیده موجب توزیع درآمد ملی از سود سرمایه‌های نقدی به نفع درآمد صاحبان سرمایه انسانی می‌شود (۲).

پدیده فوق، در کل اقتصاد، تقاضا برای نوآوری و تحقیق

و پژوهش را بالا می‌برد. علوم و فنون، نخست ممکن است برون‌زا باشند و وارد شوند. اما در مراحل بعد، به کمک مطالعه و پژوهش می‌توانند درون‌زا گردند. بیت المال نقش بسیاری در وارد شدن علوم و فنون جدید ایفا کرد (۳). با ایجاد نهادهای تحقیقاتی مناسب، همچون «دارالترجمه» و «بیت الحکمه» در مدت کمی مسلمین توانستند این فنون را درون‌زا کنند (۴). به علاوه، بیت المال سرمایه‌گذاریهای زیربنایی بسیاری را انجام داد که موجب شد امکانات برای سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی فراهم و از مخاطره آنها کاسته گردد (۵). همچنین با اشاعه اطلاعات لازم و ایجاد فضای امن و مناسب بیت المال تقاضای سرمایه‌گذاران را به جهتی که اندوخته سرمایه انسانی را بالا می‌برد هدایت کرد (۶).

عدالت و سرمایه انسانی

چنانکه گفته شد، اسلام از طریق شناساندن استعدادهای بالقوه انسان و تشویق و تحریک او برای باورکردن و شکوفا ساختن آنها تلاش می‌کند که انسان را به سعادت و رستگاری برساند. با دقت بر تعریف عدالت در مکتب اسلام، به ویژه تعریفی که شهید مطهری از عدالت اجتماعی در اسلام ارائه می‌دهد، ملاحظه می‌شود که این تعریف نیز براساس کارآمد شدن سرمایه انسانی ارائه شده است.

شهید مطهری عدالت اجتماعی را دادن پاداش به عضو یا فرد جامعه به اندازه حق او تعریف می‌کند (۷). حق فطری هر انسان، بهره‌مند شدن از نعمات الهی است که در اختیار هر جامعه‌ای می‌باشد؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید که تمام نعمتهایش را و هر آنچه در آسمان و زمین هست، برای بهره‌برداری انسان خلق کرده است. پس انسان حق فطری برای بهره‌برداری از ثروتهای خدادادی را دارد. در عین حال، خداوند برای انسان در قرآن تکلیف معین می‌کند که به عمران و آبادی در زمین بپردازد و هر که چنین کند، یعنی به وظیفه خدادادی خود عمل کند، حق شرعی پیدا می‌کند که از فرآورده کار خودش بهره‌مند شود. حقوق شرعی در اسلام، به گفته شهید مطهری، بدین ترتیب و براساس حقوق فطری تدوین می‌شوند (۸). در صورت احیاء و آبادانی، حق بالقوه انسان، بالفعل می‌شود و شرعاً ذیحق می‌گردد. تخصیص پاداش هر فرد متناسب با حق او - یعنی تلاشی که برای عمران و آبادانی

۱ - اقتصاد صدر اسلام. ۲ - همان.

۳ - کاظم صدر، سیاستهای مالی. ۴ - یادگاری و Sadeghi.

۵ - اقتصاد صدر اسلام. ۶ - همان.

کرده است - عدالت خوانده می شود و عدم تناسب میان آنها ظلم به فرد یا خانواده یا گروه مزبور محسوب می شود^(۱).

روشن است که آبادسازی طبیعت به مهارت، نبوغ، تجربه، فکر و برنامه نیاز دارد و بدون استفاده از کار و سرمایه جسمانی میسر نیست. هر چه ذخیره دانش و فن آوری در جامعه ای بیشتر باشد، یعنی اندوخته سرمایه انسانی بیشتر گردد امکان احیاء و بهره برداری از نعمتهای خدادادی در بیابانها و خشکزارها و نیز در قطبها و یخبندانها و حتی در سیاره های دیگر بیشتر می باشد. اصولاً، کار انسان اگر متکی به علم و دانش نباشد بسیار زود محدود می شود، زیرا توان جسمانی انسان حتی از حیوانات اهلی نیز کمتر است. پس آنچه منشأ خلق ارزش و آبادانی می شود فکر و ذهن آموزش دیده و تربیت یافته انسان است. با این وصف اختصاص پاداش به هر کس یا هر خانوار متناسب با صرف به کارگیری سرمایه انسانی او، تحقق بخشیدن به عدالت در جامعه اسلامی است و عدم رعایت این تناسب ظلم کردن می باشد. پس حقوق شرعی و عدالت اجتماعی نیز در اسلام براساس بارور کردن و استفاده از استعدادهای خدادادی تعریف و تدوین می شود. در الگوی توسعه اسلام، حتی مفاهیم ارزشی نیز مبتنی بر سرمایه انسانی هستند. این امر جامعیت الگوی یاد شده را نشان می دهد.

شاخصه های توسعه

براساس الگوی توسعه صدر اسلام، می توان شاخصهایی را معرفی نمود که بیانگر درجه توسعه یافتگی جامعه اسلامی باشد. نخست شاخصهایی که هم اکنون مورد استفاده قرار می گیرند مانند تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه و توزیع آن ارائه می شوند. شکی نیست که هر چه سرمایه انسانی در جامعه تقویت و تربیت شده و بازدهی آن بالا رود، درآمد سرانه نیز بالا می رود. در عین حال مطابق تعاریف داده شده از عدالت، توزیع درآمد ملی نیز اهمیت دارد. سهم سرمایه انسانی نسبت به سایر صاحبان نهاده ها باید بیشتر باشد. فنون و تکنولوژی به کار رفته باید از نوعی باشد که بازدهی و اشتغال این نهاده را بالا برد. همچنین توزیع درآمد سرانه نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. از حد نصاب معیشت، همگی افراد جامعه باید برخوردار باشند. در عین حال هر کس متناسب با تلاش خود، یعنی اختصاص سرمایه انسانی خود، باید پاداش متناسب به دست آورد. توازن در توزیع درآمد سرانه باید رعایت گردد. پس شاخص توزیع درآمد می تواند حاکی از درجه تحقق عدالت باشد.

شاخصهای میزان با سواد، بهداشت، امید به زندگی،

کاهش مرگ و میر کودکان، نسبت پزشک و امکانات درمانی به کل جمعیت و همچنین تحصیلات ابتدایی، متوسطه و عالی، نسبت استاد و امکانات آموزشی به تعداد دانش آموزان یا دانشجویان نشان دهنده خدمات لازم برای رشد سرمایه انسانی است. افزایش درصد این شاخصها گویای بهبود زندگی و توسعه یافتگی در جامعه اسلامی است.

حفظ محیط زیست نیز که نشان دهنده عدم اتلاف و اسراف و اضرار در جامعه است و تأمین کننده نهاده های تولید، تصفیه کننده عوارض و آلودگیهای فعالیتهای تولیدی است و بالاخره زیبایی و طراوت به حیات بشر می بخشد، از علامتهای توسعه یافتگی و عدم کفران نعمت الهی می باشد. از سوی دیگر حفظ سلامت جامعه و پایبندی به ارزشها و موازین اخلاقی آن موجب کاهش جرایم و بزهکاری، خشونت و اعتصابات، پایین آمدن تعداد زندانها، کاهش مصرف مواد مخدر و قاچاق می شود. لذا، حفظ محیط زیست طبیعی و اجتماعی یکی از شاخصه های توسعه یافتگی جامعه اسلامی است.

شاخص جدیدی که برای توسعه یافتگی براساس الگوی اسلامی باید اضافه کرد میزان خمس و زکات و صدقات و همچنین قرض الحسنه، انفاق و وقف می باشد. با پیشرفت جامعه اسلامی، درصد وجوه یاد شده افزایش می یابد. به همین نسبت از میزان رباخواری، احتکار، غش و تقلب در داد و ستد و ارتکاب معاملات حرام کاسته می شود. درصد اشتغال نیروی انسانی و به تعبیر دیگر کاهش بیکاری نیز نشان دهنده اجرای دستور اسلام مبنی بر ارزشمند بودن کارهای اقتصادی و پیروی بخش عمومی از سیاستهای درست برای ایجاد اشتغال می باشد. اما آمار رشد جمعیت را باید با دقت مورد ارزیابی قرار داد. شکی نیست که رشد جمعیت، بالقوه می تواند موجب رشد سرمایه انسانی و خلق استعدادهای جدید شود. همچنین ازدیاد جمعیت تقاضای کل را افزایش داده و موجب رشد اقتصادی می شود. اما، این پدیده وقتی تحقق می یابد که ازدیاد جمعیت با کاهش شاخصهای خدمات اجتماعی همراه نشود. به عبارت دیگر، جامعه امکانات تربیت و پرورش سرمایه انسانی را داشته باشد، برعکس، اگر جامعه به اتلاف سرمایه انسانی خود مبادرت بورزد، یا در ارائه خدمات اجتماعی با تنگناروبرو شود، در این صورت شاخص رشد جمعیت حاکی از توسعه یافتگی نیست.

در این آمار، اشتغال زنان مفهوم و اهمیت خاصی دارد. زنی که ازدواج می‌کند، طبق اسلام به اشتغال در خانواده در می‌آید. وی بابت خانه داری و بچه‌داری می‌تواند از شوهرش دستمزد مطالبه کند. براساس تقسیم اجتماعی کار نیز، این وظیفه و تکلیف، یعنی خانه‌داری و تربیت و پرورش اطفال، مقدم بر سایر فعالیت‌های اجتماعی است. کما اینکه وظیفه رسیدگی به خانواده و تأمین رفاه آن و تربیت فرزندان وظیفه پدر و مقدم بر همه تکالیف اوست. در عین حال جامعه اسلامی نیازمند بانوان برای خدمات بسیاری نظیر بهداشت، درمان، پرستاری، آموزش و تحقیقات می‌باشد که عرضه کننده بهینه آنها خود ایشان می‌باشند. پس اولاً درصد ازدواج زنان در جامعه اسلامی نشانه پیشرفت و درصد طلاق نشانه عقب افتادگی و عدم همبستگی است. ثانیاً درصد ازدواج زنان را با اشتغال ایشان متعادل بایستی تلقی کرد. در عین حال، درصد زنان پزشک و علوم وابسته پزشکی، پرستار، ماما، آموزگار و استاد را به کل جمعیت زنان باید با اهمیت تلقی کرد؛ زیرا پایین بودن این نسبت ممکن است موجب کاهش عرضه خدمات یاد شده به زنان شود. زنان در بسیاری از عرصه‌های دیگر اقتصادی مانند تولیدات کشاورزی و صنعتی، کارهای صنایع دستی و فعالیت‌های هنری همدوش مردان فعال هستند. اما نسبت پیشین در اشتغال زنان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا مردان جانشین کاملی برای آنها نیستند.

خلاصه و جمع‌بندی

تجربه مسلمانان صدر اسلام نشان می‌دهد که علیرغم مشکلات زیادی که در ابتدای هجرت به مدینه با آن روبرو بودند و از نظر غذا، مسکن و شغل در مضیقه به سر می‌بردند، بزودی بر این مشکلات فائق شدند و اقتصاد ایشان با رشد و توسعه همراه گشت. توضیح علت شکوفایی اقتصاد مزبور هدف این مقاله است.

از میان نظریات اقتصادی موجود، تراکم طلا از طریق گسترش تجارت، توسعه زمینهای کشاورزی یا بخش صنعت، هیچ یک تفسیر قابل قبولی برای توسعه اقتصاد صدر اسلام ارائه نمی‌کنند. زیرا تجارت در انحصار قبیله قریش، دشمن مسلمانان بود و از این طریق تنها کالاهای خوراکی و پوشاکی و امثال آن به جزیره العرب وارد می‌شد و هیچ وقت مازاد تجاری انبوهی پدید نیامد که موجب گسترش سایر بخشهای اقتصاد گردد. آب و هوا و شرایط اقلیمی در جزیره، امکان توسعه کشاورزی را محدود می‌ساخت و فنون صنعتی چندان گسترش نداشت که منشأ رونق صنعت و پیشرفت تکنولوژی شود.

از آنجایی که هدف دین اسلام سعادت و بهروزی انسان در دنیا و آخرت می‌باشد، به نظر می‌رسد که اساس رشد اقتصاد صدر اسلام تکیه بر پرورش و هدایت استعدادهای انسانی و تقویت و بارور ساختن آنها بوده است. در واقع، تنها ذخیره ارزشمندی که در اختیار رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار داشت سرمایه انسانی مسلمانان بود. با آموزش، تربیت و بارور ساختن همین استعدادهای انسانی، پیامبر اسلام توانستند اقتصاد جزیره را متحول سازند و با استفاده از مزیت‌های نسبی آن، توسعه اقتصادی را برای مسلمانان به ارمغان آورند.

الگوی توسعه اقتصادی صدر اسلام را همانند سایر الگوهای اقتصادی می‌توان از طریق چهار عامل مورد شناسایی قرار داد:

۱ - انگیزه‌هایی که مکتب برای عرضه کنندگان و متقاضیان ارائه می‌کند.

۲ - نهادهایی که برای سهولت و تسریع داد و ستد پدید می‌آورد.

۳ - قوانین و مقرراتی که برای هدایت فعالیت‌های اقتصادی و جلوگیری از انحرافها و برخورد منافع دست اندرکاران با یکدیگر یا با منافع جمع وضع می‌نماید.

۴ - سیاست‌هایی که برای رسیدن به عدالت یا اهداف مکتب به اجرا در می‌آورد.

براساس این عوامل نشان داده شد که چگونه به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه مسلمانان مدنظر پیامبر اسلام بوده است و چگونه افزایش انباره سرمایه انسانی مسلمانان نه فقط موجب پیشرفت علوم و فنون گشت، بلکه مزیت‌های نسبی جزیره مانند تجارت مورد استفاده قرار گرفت و علاوه بر آن بخش کشاورزی که علیرغم محدودیت‌های اقلیمی آن مورد توجه قرار گرفت، بسیاری از علوم و فنون از ایران و روم وارد شد و به تدریج در اقتصاد صدر اسلام درون‌زا شد و نهادهای لازم برای این تحول ایجاد گشت.

براساس الگوی صدر اسلام، فقر و غنی معنی جدیدی پیدا می‌کنند. کمبود زمینهای کشاورزی و نامساعدت بودن اقلیم، فقدان معادن و ذخایر زیرزمینی به معنای فقیر بودن مردم و اقتصاد ایشان نیست. بلکه، فقر عبارتست از عقیم ماندن استعدادهای انسانی و راکد بودن تواناییهای انسان. برعکس، اقتصادی که در آن استعدادهای افراد پرورش یابد و تفکر بینش مردم ترقی کند و مهارت‌های مختلف علمی و فنی و هنری ایشان از طریق تعلیم و تربیت بروز نماید و پیوسته بارورتر گردد، اقتصادی توسعه یافته و غنی می‌باشد. با استفاده از دانش، مهارت و نبوغ خویش دست اندرکاران این

اقتصاد بخشهای مختلف آن را توسعه می دهند و کمبودهای هر بخش را با مطالعات علمی جبران می کنند.

چنانکه گفته شد، هدف مکتب اسلام ترقی و تعالی انسان است. در عرصه اقتصاد، سرمایه انسانی مورد توجه و هدایت و تقویت قرار می گیرد. در پهنه جامعه زندگی اجتماعی، شخصیت حقوقی و اجتماعی او به عنوان فرد، خانواده و جامعه هدف مکتب قرار می گیرد و تقسیم کار اجتماعی که موجب برقراری قسط در جامعه می شود از طریق تبیین وظایف و تکالیف فرد و خانوار و جامعه از یک طرف و تعیین شدن سهم و پاداش در صورت عمل به تکلیف از سوی دیگر محقق می شود. براین اساس، حقوق اقتصادی و اجتماعی تعریف می شود و از طریق وضع قوانین و مقررات مشخص گشته و نهادهای مورد نیاز تشکیل می گردد. بنابراین، در عرصه جامعه نیز تقسیم کار و تخصیص پاداش به گونه ای صورت می گیرد که استعدادهای انسانی از قوه به فعل درآید و سرمایه انسانی توسعه یابد.

براساس الگوی توسعه اقتصاد صدر اسلام، شاخصهایی قابل مشاهده و اندازه گیری برای نشان دادن درجه توسعه یافتگی جوامع انسانی از نظر مکتب اسلام ارائه شد که می توانند برای ارزیابی سیاستهای اقتصادی و حرکت از وضع موجود در کشورهای اسلامی به سمت الگوی یاد شده مورد استفاده قرار گیرند. این شاخصها می توانند برای ارزیابی توفیق سیاستهای مختلف اقتصادی به کار گرفته شوند.

منابع

- ۱- آبتی، محمد ابراهیم، تاریخ اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرجی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- ۲- احمد خورشید، «توسعه اقتصادی در چارچوبی اسلامی»، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، گردآوری خورشید احمد، ترجمه محمد جواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۳- احمدی میانجی، علی، اصول مالکیت در اسلام، مالکیت خصوصی زمین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۴- الافغانی، سعید، اسواق العرب فی الجاهلیة و الاسلام، دمشق، دارالفکر، ۱۹۶۰.
- ۵- نفضیلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، ویراست دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.
- ۶- صدر، کاظم، «سیاستهای مالی در صدر اسلام»، برنامه و توسعه، شماره ۴ و ۵ بهار ۱۳۶۵.

۷- صدر، کاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

۸- صدر، محمد باقر، اقتصادنا، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالفکر، ۱۹۶۹.

۹- صدر، موسی، اقتصاد در مکتب اسلام، تهران، جهان آرا، بی تا.

۱۰- طباطبائی، محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، قم، انتشارات آزادی، بی تا.

۱۱- طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ترجمه محمد هادی فقهی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.

۱۲- الکتانی، عبدالحی. نظام الحکومة النبویة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۱۳- کلینی، محمد، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، بی تا.

۱۴- کلینی، محمد، الفروع من الکافی، الجزء الخامس، تصحیح غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.

۱۵- گرجی، ابوالقاسم، «اسلام و محیط زیست»، نورعلم، شماره چهارم، ۱۳۶۳.

۱۶- مومنی، محمود، سرمایه گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، ترجمه و تألیف: تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۰.

۱۷- مرتضی، جعفر، السوق فی ظل الدولة الاسلامیه، الدار الاسلامیه، ۱۹۸۸.

۱۸- مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۳.

۱۹- مطهری، مرتضی، بیست گفتار، قم، انتشارات صدر، ۱۳۵۸.

۲۰- مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم، انتشارات صدر، بی تا.

۲۱- واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، سه جلد به ترتیب ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۶.

۲۲- یادگاری، عبدالمهدی، «انتقال علوم اسلامی از بغداد به خراسان»، مقالات و بررسیها، دفتر ۲۸- ۳۹، ۱۳۵۶.

۲۳- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آبتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.

24 - Fisher , I , The Theory of Interset,N.J.Macmillan co,1930.Chifton,

25 - Sadeghi Tehrani , A. An Economic Analys , of the stracture & Performance of the Urban Economy in the Medieval Moslem World , Ph . D. Dissertation , Exerter Univers , 1996.

26 - Schults , T.W. "Rise in the Capital Stock" , Represented by Education in the United States 1900 - 1957 , in Human Capital Formation & Manpower Development , ed . by Wyrstra , R.A. New York, The Free Press, 1971.